امروز باسعدى شيراز

به هرمــز چنيــن گفت نوشــيروان

نــه در بنــد آســایش خویــش باش

چــو آســایش خویش جویــی و بس شــبان خفتــه و گرگ در گوســفند

کــه شــاه از رعیــت بــود تاجــدار

درخت، ای پسر، باشد از بیخ سخت





ـت-برعهده سیســتم فرهنگــی و دولتی

نم فرهنگی ما از افراد و هنرمندان بهصور

مدت دار استفاده غیراصولی می کند و بعد از مدتی اُنها را به عنوان مهره مستهلک و سـوخته کنار می گذارد. در گذشـته شـاهد این قضیـه بودیم کـه بعضی از

ر خوانندگان از سوی سیستههای دولتی سالها مورد توجه بودنــدو بعداز مدتی بیرحمانه کنار گذاشــته

شُدند. دُر نســُل ما هُم با بعضیُها این کار را می کنند. گویی بعداز مدتی قابلیتهای اجتماعیشان از دست

می رود. ایسن یک نر دیان خطرناک است. موضوع

در آرد. رفتاری است که سیستم در مورد بعضی از عزیزان عمال می کند. گاهی اوقات نیز برخی افراد را آن قدر باد

می کند که ناگهان یک شبه منه دم و نابود می شوند. این بیشتر ظلم به یک هنرمنداست تا حمایت از او به اعتقاد

من اگر امکانی برای فعالیت هنری هنرمندان وجود

ر کرر دارد این امکان باید به صورت مساوی و عادلانه تقسیم شود؛ یعنی هر کس به فراخور استعداد خود زمینهای

برای ظهور و برُوز فعالیتهایشُ پیدا کند. دُرسُت مثل عدالت اقتصادی. مفهوم عدالت اقتصادی این نیست

که همه حقوق بکسان داشته باشند بلکه هر کس باید

این که برخی افراد با استفاده از رانت تنها با یک تلفن،

وِلَّى معادلٌ حقوق ٣٠ساله يکُ کارگر معدن را يکجا

بگیرند. در بحث موسیقی،اصلی ترین نقد من به حوزه

، سانه است. به اعتقاد بنده مدیر یک شبکه تلویزیونی

ر باید قبل از این که یک شـخصیت سیاسی باشد یک

چهره فرهنگی باشد و نسبت به فضای هنری جامعه و

. نیچ مدیری در صداو ســیمای ما با رویکر د فرهنگی

انتخاب ونصب شود تقريبا هيج كدام از مديران رسانه،

ما میروند. در

نه تئاتر می بینند و نه کنسرت و سینما میرو فضای موسیقی هم که اساساسیر نمی کنند. برای رسیو استعلای هنر به طور عام و مو

بهطور خاص، در این کشور، چهباید کرد؟

بسفور صافی در این مشوره باید بردن هر چیزی مراحل و مراتب خـود را دارد اگر واقعا به فکر جهانی شدن موسیقی کشورمان هستیم و علاقه داریم مردم جهان باآن آشنایی پیدا کنند اول باید خانه ومملکت خود را در نظر بگیریم هنوز مردم

کشور خودمان هم موسیقی ایرانی را نمی شناسند. موزیسین های ماهنوز برای ارایه یک اثر موسیقایی خوب به مردمشان با مشکل مواجهاند. ار تباط

برقرار كردن بامخاطب عام رابايداز كشور خودمان

ر ر ر ر ر ر کند. شروع کنیم. نمی توانیم موسیقی را که حتی مردم خودمان بـــا آن قهرند به ایتالیا ببریـــم و بعد مردم

۔ برہ تن هنر موسیقی دانس

مثال کشور کوچکی مثل جمهوری آذربایجان که

می توانیم موسیقیاش را زیرمجموعه موسیقی ایران بزرگ درنظر بگیریم موسیقی را در اولویت های

فرهنگی جامعه قــرار داده. در آن ملک حتی مردم کوچهوبازار هم منتقد و کارشــناس موسیقی اندو

می توانند موسیقی خوب را از بد تشخیص دهند. در چنین فضایی است که خوانندهای مثل اعالیم قاسیم اف ظهور و خیلی از مردم جهان را مجذوب

موسيقى جمهوري آذربايجان مي كند.

كوچە وبازار ايتالياراً شيفته و فريفته آن كنيم، ر به وبدر را بساییار اشیفته و فریفته آن کنیم همه میدانیم که شنوندگان موسیقی ماهنوز مخاطبان خاص ایسن موسسیقی اند دلیلش را هـــم می توان تریبون نداشـــتن هند موســق کان

فنرمندأن مملكتش شناخت داشته باشد ب

باميزان فعاليتش دستمزد دريافُت كندنه



مدی بسرای رسسیدن بسه جایگاه كنونىاش، تاچەاندازەمتحمل سختى شدە؟

طبق آماری که یکی از دوستان بنده به روش علمی بسرای بنسده گرفتنسد، بیسش از ۹۰ درصد مخاطبان بنده از راههایی غیر از صدا و ، کشور م، مرا مے شناسند. از همین موضوع مے شود میزاُنُ حمایت رسانه ملی را از بنده از آن سال ها تاکنون فهمید. در صورتی که من فرزند این خاکم ورسانه ملى بابدقاعدتامنعكس كننده همه صداها . . اشد. خودم به صورت جســته و گریخته کارهایی می کردم و سعی داشتم صدا و آواز خود را از طریق درست به گوش مردم برسانه حتی اگر بنا بود برای طی این مسیر زمان بیشتری صرف شود. به هر کاری تن ندادم و اعتقاد من این است که هر کسی کار را -تانجام دهد ديريا زود مخاطب خودرا پيد می کند به هرحال این موارد داستان جاری زندگی هنری من و امثال من است که در خیلی از موارد موجب رنجش آدم می شود. به هرحال گام بر داشتن در مسیر موسیقی کلادر این مملکت دشوار است و اگر توسط کسی حمایت نشوی و مانع تراشی ها هم ینُ باشدسختی مسیر دوچُنداُن خَواهُدشد. اگر زمان به عقب بازگردد، فکر م*ی کن*ید بتوانید

دوبارههمهاینسختیهارابهجان بخرید؟ اگر قرار باشــد این مســیر را دوباره طی کنم به هیچ عنوان تــوان ادامــهدادن را نخواهم داشــت. ستانهای گفتم اگ قال باشید د. وادی هنر گام بردارید هیچـگاه نخواهم گفت که ماجت و پشتکار این راه رابا چنگ ودندان . میر کنید. می گویم کار کنید ولی زندگی خود حفظ کنید. می گویم کار کنید ولی زندگی خود راروی آن نگذارید. در همان جمع، دوستی به من گُفُت شنیدن چُنین ُ جملاتی از زبانُ شما چندان جالب نیســت. چرا که عدهای فکر می کنندشــما نمیخواهید کسنی وارد حوزهای شود که شما در آن موفق هستید. در صورتی که قصد من این نبود. گر امروز ۱۰هزار نفر وار دمسیر آواز شونداز این وانع موجود حداكثر ١٠ تا ٢٠ نفر بهمسير أُخرخواهُندرسيدُبااينشرايط ٩٩٨٠ نفرُ سرخور ده در این مسیر داشتهایی به همین خاطر اعتقاد من این است کسانی که میخواهند آواز کار کننداین کار را باعشق انجام دهنداما زندگی خود بیمه اهالی موسیقی به نام بیمه روزنامهنگاران و

پلورالیسم در موسیقی تا چهاندازه برای شما ۔ ۔۔۔۔ کسانی که در رأس کار هستند، (چه اساتیدو

چە مسےئولان) بايدافراد مستعدر ا حمايت كنند. " ﻪﺍﯾﻦﮐﻪ ﯾﮏ ﺟﻮﺍﻥ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ ﺧﻮﺩﺭﺍﺳﺮﻑ ﻣﻮﺳﯿﻘﯽ كندودر آخرهم سرخور ده شودواين قضيه حكايت از نقص مدیریتی در جامعه ما دارد. من تا آنجا که توانستهام با فرض این که بدانیم با کمک به هنرجو ر پیشسرفت خواهد کرد، کوتاهی نمی کنم. چون اعتقاد من این است که موسیقی زمانی به رونق و بالندگی می رسد که انسان های مختلف با سبک ها . وی کیر و بیانهای مختلف آوازی در این فضا کار کنند و تنوع صدایی وجود داشته باشد. بهعنوان مثال اگر شما بهترين صداًى دنيا با ايده آل ترينُ فاكتورها را

ت ... خیلی از دغدغه هایی که برای اجرا و انتشار آثار در ذهن داشستم هنوز اجرایی نشسدهاند. تا آنها را انجام ندهسم نمی توانم به فراغت فکری برسسم. به دنبال مجالی برای استراحت و حتی ساختن یک پور تا معنور عاصی اینجه عنده بسیوری در تعمل دارم و همــان کارهــا نمی گذارند بــه کار دیگری بهردازم. بههرحال جامعه مرا بهعنوان یک خواننده می شناسد.اما اگر نگاه کنید خیلی از هنرمندان در ی کنار حرفه اصلی خود نقاشی می کنند و نمایشگاه نقاشــی هم برپا می کنند یا عکاســی می کنند و نمایشگاه عکاسّے هم برپامی کنند. در عین حالُ انتظار جامعه از آنهاهنر اصلی آنهاست. انتظار جامعه

از من ُهم کار موسیقی است. اگر هم بخواهـم کار دیگری انجام بدهم این یک دغدغه شخصی ود. اما هنــوز زمان این نجربه فرا نرسیده است. هنوز . کارهایئی دارم کهانجامندادن و عملی نشدن شان ذهن مرااذیت

موسىقى جىست؟

ارد. مُخصوصا در موسـُـيقّی که در

ئفت دیگر ساز نمیزنم و واقعاهم این کار را نکرد. ولی پس گذر از ۳۰سال از آن روزها احساس کرده حرفهایی هست که هنوز ناگفته مانده وباید آنهارا بگوید.ردیف منتشر کرده و حرفهایی که احساس کرده باید گفته شودرالرایه داده است. به اعتقاد من هنرمندهاشاخكهاىحساسى دارندودر رويارويي با جامعه احساس می کنند نغمه هایی در درونشان می جوشد و اگر آن نغمه ها را به مردم ارایه دهند مايديادغدغهديگريدر ذهن داريد[؟] ی . مردم اُنها را خُواهُند پذیرفت. هر هنرمند یک عمر هنــری دارد. اگر به کارنامه هنرمنــدان نگاه کنید

... ص. فرهنگیباشدونه

رسانه،نه تئاتر می بینندونه کنسرتوسینمامی روند

و. قبلازاینکهیکش

، منظور تــان چــه کارهایــی است؟بهبیان دیگر، دغدغه شــما در جایگاه کنونی تان، بهعنوان یک هنرمند حوزه

دغدغه اصلى همه هنرمندان ایسن اسست کسه وقتسی عمر حرفهای آنها سپری شد آثاری از آنها به جابمانسد که جامعه . نهارا در حافظه خود عزیز

أن شعر است كه اخرم أن نغمه كه مردم بسيارند به ياده. همه موزيسيين ها و نه صرفا بنده به دنبال ... خلق آثار اینچنینی هستند به اعتُقاد من این یک امر غریزی است. درست مثل خیلی از معمارها که مثلافلان بنا را ساخته و شهابه محض دیدن آن بنا متوجه می شوید که خالق این اثر در موقع بنای مســجدقصد داشـــته کاری انجام دهد که ماندنی . شود. حضرت حافظ می گوید، «هر گز نمیرد آن که دلش زنده شدبه عشــق، ثبت اسـ ں ر۔۔۔ ۔۔۔ بہ بہ حسسی، بیت است پر جریدہ عالم دوام ماا، همه دوست دارند بر جریدہ عالم دوام خود را ثبت کنند. حتی آن کسی که فرعون مصر بوده و گفته پیکر مرامومیایی کنید واهرام به آن عظمت را بسازید، خواسته میل به جاودانگی رسیدن خود اً پاسخٌ دهد هنرمند هم این میل را به طریق اولی دارد میل به جاودانه زیستن من هم دوست دارم با کارهایم ماندنی شــوم اگر آن کارهایی که در ذهن دارم را انجام دهم شــاید دیگر پایان کار هنری من فراً برسد ولی گاهی اوقات باز ُهم حرفُهایی برای گفتن خواهد بود استاد کسایی در برههای از زمان

ىه مدت يک ســاعت گوش دهيد پس از آن گوش . شما خسته میشود و دوست دارید صدای دیگری بشنوید. همیشه زیبایی صداها در کنار سایر صداها مشخُص مىشــود. زيبايى طبيعُت و گلستُان هم هميشه به تنوع و گونه گوني گلهاست. کمی خسته بهنظر میرسید. از کارتان

ابراین نیازمندعرصه ای برای ارایه هستند. چه انتظاری از مردم و مخاطبانتان دارید؟ شـنیدن تمام کارهایی که انجام می دهیم شاید بیش از چند دقیقه برای مخاطب به طول نینجامد

بهترین آثارشان مربوط به یک سے خاص و دورہ

اســـتادبنان مُی گفت خوانندهها اولین هنرمندانی

هستند که خزان هنر خود را می بینند. هنرمندان وقتی کارشان متوقف شود، افسرده می شوند و

اصي از كارنامه أنها بوده است. اتفاقا بهار هنري ها کوتاه تر است. یکی از هنرمندان از قول

ولی برای تولیداین موارد حداقل یکسال از بهترین سال های اصلى ترين نقدمن به حوزه عمر ما صـرف شـده و از منظر اصنی دریں۔۔۔۔۔۔ رسانه است. به اعتقادینده مدیریک شبکه تلویزیونی باید دیگر سـالُهای زیادیُ برای به ت آوردن تجربهای صرف شده تا کاری اینچنین ارایه شود سیاسی باشدیک چهره رایه شده به جامعه با پذیرش ر ک. فضایهنریجامعهوهنرمندان امُكان نقصان، حاصــل عمرُ مملكتش شناختداشتهباشد بعیدمی دانم هیچمدیری در صداوسيماي مابار ويكرد فرهنگیانتخابونصبشود. تقریباهیچکدامازمدیران

مجموع سُـخن اين كه كارهاي ست. دوست داریم مردم این کارها را عزیز بدارند و اگر نظری دارند بىغرض بگويند. بعضى از مردم عادت کردهاند هنرمندان را مثل فوتبالیستها تشویق کنند اگر هنرمندی را دوست دارند دیگر هنرمند را با توهین بدرقه می کنند.این کار مناسبی ی ۔۔۔۔۔این کار مناسبی بت و ادبیات مردم با فرھنگ کر دانا۔۔ ؛ ت

این نیست. از سوی دیگر دانلود غیرقانونی کارهای ارایه شده درست مثل فرو کردن سوزنی است درون رگ هنرمندو کشیدن خون او بدانند که انرژی ووقت واعصاب هزینههای این کاربرای همه تولُیدکنندگان است. دغدغه ماهم مردم و مُخاطبان هســـتند. گاهی اوقات پیش آمده کــه برای ضبط کاری ساعتها زمان صرف شده و پس از ۱۰ روز گوشدادن متوجه می شویم در یک قسمت جزیی صدای سازها با هم قاطی شده و یک مضراب یک ثانیهای آنگونه که باید، ضبط نشده بنابراین دوباره ساعتها زمان می گذاریم و دوباره ضبط می کنیم تا مخاطب لذت بیشتری از کار ببرد. انتظاری از مردم نداريم جز آن كه قدردان ُهنرُ هنرُمندانشُان بُاهُ فیدی هم باهمه مردم امضا کردهایم که رر تا زندهایم کار کنیم و برای مردم بخوانیم و درنهایت دوست دارم این کارها دیده و شــنیده شوند. تمام حقوق این کارها هم درواقع متعلق به خود مردم

فک نمی کنید که این وظیف - منظور م پاســداری از حقوق هنرمنــدان و حمایت آنها

اگر جادهای بایدت مستقیم 0

شنیدم که در وقت نیزع روان ۔ کــه خاطــر نگهــدار درویــش باش

نیاساید اندر دیار تو کس

نیایـد بـه نزدیـک دانـا پسـند

بـرو پـاس درويـش محتـاج دار

رعیت چو بیخند و ســلطان درخت

مكن تا توانى دل خلىق ريىش

وگر میکنے میکنی بیےخ خویش ره پارسایان امیدست و بیـم

یکخبر|یکنگاه

ارتقاي سيستم حملونقل ريلي به چه قيمتي؟

رەيارسايان اميدست وبيم

وزیر راه و شهر سازی چندی قبل اعلام کرد با افزایش قریب به ۲۰ در صدی نرخ بلیت قطار دارد که هرچند بخش قابل توجهی از آن از سوی سُـرمایه گُذٰاران و دولت تامینُ میشُـوداماً قطُ بخشی از آن نیز در قیمت بلیت لحاظ خواهدشد. وداما قطعا به گزارش ایسنا، قطارهای نسل حدید که از نظر قابل توجهی به ناوگان هوایی نزدیک شدهاند،از نظر هزینه ای نیز با توجه به تکنولوژی های به کار رفته والبته هزینه های موجود برای حفظ کیفیت اُنها، باُ صنعت هواپیمایسی برابری می کنند. قطار سریع السیر تهران – قم – اصفهان و برقی سازی ریل تهران - مشهد جزیی از این طرحهای جدید اُست که باید برای راه اندازی آنها در خطوط ریلی شــور برنامههای بلیتی جدیدی تدارک دید. در كنار نسل جديد قطارها امانرخ بليت فعلى اعمال ه در قطارهای فعال و ناوگان در سیر کشور نیز باآنچه هُزینهٔهای واقعی ُرادربر می گیردهمچُنانُ فاصله بسیاری دارد. در هر حال، راهآهن جمهوری اسلامي ايران سرانجام و پس از ماه هابررسي

موافقت کرد.» اما باید این نکته را در نظر گرفت که س ناوگان ریلی، با هر تُجهیُـــزاُت وُ خدماتی، مادامی که سرعت حمل و نقل آن به سرعت حمل و نقل ناوگانُ هوایی نرسُیده باشد، منطقی نیسه قیمتآنباقیمتناوگانهوایی برابری کند. ىدە باشد، منطقى نىست كە اگر مقایسـه ای انجام دهیم میـان زمان صرف شده قطار با هواپیما، در یک مسیر یکسان (مثلا تهران-مشهد)، می بینیم که قیمت هواپیما (حدود ۱۷۰ هزار تومان) حدودا ۳ برابر متوسط . نومان) استُ؛ دُر حالي كه زمان طي اين مسافت ر ہے. باقطار، ۸برابر زمان به مقصد رسیدن هواپیما است. اگر مدیران و قانون گذاران قیمت های حمل و نقل ر بر س و سون بدران فیمث های حم ریلی را افزایش دهند، اقبال مردم به این ب کمتر شده و مردم به سمت حمل ه نقا ده و مردم به سمت حمل و نقل جاده ای

ب، دنباله مواج خزکت در پشت

سر. در میان ُشعاع ُهای قَهُوه ای دانههای نور به ســنگینی شناور

است.زیاد دور نمی شود. پاهایش (کفشها را آب بسرده) گهگاه به

کف رود ہر مے خور دو بااین کار

ابری اُز لای و لجن کُـه آکنده از نیم سایه برگهای پوسیده است،

به کندی بلندمی شـود و بعداز

عبور او باز فرو می نشیند رشته علف های سبز-سیاه لای موهاو

روی خواهند اُورد که نتیجه آن، پیش از هر چیز،

. سوانحوبعد،آلودگی وسوختبنزین بیشتر خواهد

شعاع هاي قهوه اي دانه هاي نور

مایکل کانینگهام

لئونـــاردو باعجلـــه از اتاق بیرون مــی زنــد و از پله ها پایین مــی رود به می گویسد:« به نظسرم برای م وولف اتفاقی افتادم به گمانم باز خواسته خودش ر بكشد أز كدام طرف رفت؟ يسرون بسرود؟، خدمتكار از تــُرُس می زند زیــر گریه. لئونــارد دوان دوان به طرف رودخانه می رود، از کلیسا و گوسفندهاوازبستربیدسرخ

می گذرد لیب رودخانه جز ژاک^ت قرمز ماُهیگیری کُس

مردژانت فرمز ماهیدیری بسی راسی بیسه. آب او را تند با خود می برد. انگار در حال پرواز اس ــت هاباز شده،موهاافشان در

وباز وبستهمى شود. برشىازرمانساعتها

خزکتش گیر کرده، و لحظه ای چشـمهایش که لایه انبوهی از علف ها آن را پوشانده، و در نهایت ىي شودو بر آب مى رود، پيچ و تاب مى خورد

® ▲

اجراىتئاتر خيابانىدر وزارتكار

هنرمندان تثاتر خياباني روز يكشنبه در دومين روز از هفته كار گر بااجراى تثاتر در محوطه وزارت -----تعاون، کار ورفاه اجتماعی این هفته را گرامی داشتند



